

درس فارغ فقه مضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

موضوع کلی: فصل فی غسل الجنابة

موضوع جزئی: موجبات جنابت - جماع

سال تحصیلی: ۱۴۰۰-۱۳۹۹

تاریخ: ۲۳ آذر ۱۳۹۹

مصادف با: ۲۷ ربیع الثانی ۱۴۴۲

جلسه: ۴۵

« الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین »

خلاصه جلسه گذشته

سخن در موجبات جنابت بود. عرض شد که یکی از موجبات جنابت، جماع است. همچنین، عرض شد که بحث مذکور از چند جهت مورد بررسی قرار گرفته است؛ جهت اول این بود که جماع بنفسه موجب غسل می شود، هر چند انزالی صورت نگیرد. جهت دوم، این است که اگر ما بودیم و روایات صحاحی که در رابطه با وجوب غسل به خاطر ادخال و ایلاج وارد شده اند، باید گفته می شد که غسل جنابت یا به مطلق ادخال و ایلاج واجب می شود، هر چند که ادخال و ایلاج کمتر از مقدار حشفه باشد یا به خصوص ادخال متعارف واجب می شود. همچنین، عرض شد که مقتضای روایاتی، از جمله روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع [عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ يَعْنِي ابْنَ بَزِيْعٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ الرَّضَا (ع) عَنِ الرَّجُلِ يُجَامِعُ الْمَرْأَةَ قَرِيبًا مِنَ الْفَرْجِ فَلَا يُنْزِلَانِ مَتَى يَجِبُ الْغُسْلُ، فَقَالَ: «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَقَدْ وَجِبَ الْغُسْلُ» فَقُلْتُ: التَّقَاءُ الْخِتَانَيْنِ هُوَ غَيْبُوبَةُ الْحَشْفَةِ؟ قَالَ: «نَعَمْ»] این است که آنچه موجب جنابت و وجوب غسل می شود ادخال به مقدار حشفه است و از این روایات استفاده می شود که منظور از دخول و ایلاج، دخول به مقدار حشفه است و دخول بیشتر از مقدار حشفه برای تحقق جنابت، واجب نیست و دخول کمتر از مقدار حشفه نیز موجب غسل نمی شود.

در مقابل روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع، روایت محمد بن عذافر است؛

وَمِنْ كِتَابِ نَوَادِرِ الْمُصَنَّفِ تَأْلِيفِ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ الْحَمِيدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَذَافِرٍ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) مَتَى يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ الْغُسْلُ؟ فَقَالَ: «يَجِبُ عَلَيْهِمَا الْغُسْلُ حِينَ يُدْخِلُهُ وَإِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ فَيَغْسِلَانِ فَرْجَهُمَا»^۱.

مقتضای این روایت این است که غسل جنابت در صورتی واجب می شود که انزال صورت گیرد، زیرا در ذیل این روایت آمده است که در صورت وقوع جماع که از آن به التقاء ختائین تعبیر می شود، زن و مرد باید فرج خود را بشویند، بنابراین از این روایت استفاده می شود که جماع فقط موجب وجوب شستن فرج می شود و موجب وجوب غسل نمی شود، بنابراین، اگر جماع بدون انزال صورت گیرد، فقط شستن فرج واجب است و در صورتی غسل واجب می شود که انزال صورت گیرد. پس دخول حشفه در فرج زن، به تنهایی [و بدون انزال] موجب وجوب غسل نمی شود.

۱. شیخ حر عامل، وسائل الشیعة، ج ۲، کتاب الطهارة، ابواب الجنابة، باب ۶، ص ۱۸۳، ح ۲.

۲. همان، ۱۸۵، ح ۹.

ظاهراً روایت محمد بن عذافر با روایت محمد بن اسماعیل بن بزیع منافاتی ندارد چون وجوب اغتسال را نفی کرده است و بر این که شستن فرجین با التقاء ختائین واجب می‌شود دلالت دارد؛ اعم از اینکه التقاء خارجی صورت گیرد یا التقاء داخلی صورت گیرد، اما روایت صحیحہ محمد بن اسماعیل بن بزیع بر وجوب اغتسال با التقاء داخلی که از آن به دخول به مقدار حشفه تعبیر شد، دلالت دارند و در صحیحہ ابن بزیع به وجوب غسل با دخول به مقدار حشفه تصریح شده بود. پس روایت ابن عذافر بر موردی که التقاء خارجی و بدون دخول حشفه صورت گیرد، حمل می‌شود، یعنی اگر آلت مرد با فرج زن تماس بگیرد و دخولی صورت نگیرد صرف شستن فرج زن و مرد کفایت می‌کند و غسل واجب نیست.

بر فرض اینکه تعارض بین روایت ابن عذافر و روایات متقدمه پذیرفته شود، نمی‌شود از روایات متقدمه دست برداشت چون روایت ابن عذافر، شاذ و نادر است ولی روایات متقدمه، مشهورند و حتی می‌توان در رابطه با روایات متقدمه، تواتر اجمالی را ادعا کرد بنابراین، روایت ابن عذافر نمی‌تواند در مقابل روایات صحیحہ متقدمه مقاومت کند و معمولاً در فرض تعارض بین دو روایت، روایت شاذ و نادر رها می‌شود و به روایت مجمع علیها بین الأصحاب أخذ می‌شود. توجه به این نکته لازم است که ترک روایت محمد بن عذافر و اخذ روایات متقدمه به خاطر روایتی که می‌گوید روایت مجمع علیها اخذ می‌شود و روایت شاذ و نادر ترک می‌شود، نیست چون خود آن روایت که گفته مجمع علیها را اخذ کنید، ضعیف است و قابل تمسک نیست، بلکه از جهت دیگری گفته می‌شود که آن روایات، أخذ و روایت محمد بن عذافر ترک می‌شود و آن، این است که اگر روایت، مقطوع السند باشد، نمی‌شود به خاطر روایت شاذ و نادری که در مقابل آن است، از آن روایت مقطوع السند دست برداشت و فرض این است که روایات صحیحہ متقدمه که بر وجوب غسل به صرف دخول به مقدار حشفه دلالت داشتند، تواتر اجمالی دارند و روایت محمد بن عذافر که شاذ و نادر است، نمی‌تواند با آن روایات متواتر مقابله کند.

بنابراین، روایت محمد بن عذافر با روایات صحیحہ متقدمه [دال بر وجوب غسل به صرف دخول به مقدار حشفه] تنافی ندارد چون اولاً؛ در روایت محمد بن عذافر وجوب اغتسال نفی شده است و بر این که شستن فرج زن و مرد با التقاء ختائین [اعم از التقاء داخلی و خارجی] واجب می‌شود دلالت دارد، در صورتی که روایات صحیحہ متقدمه، التقاء داخلی را ملاک برای وجوب غسل جنابت دانسته‌اند؛

ثانیاً؛ اگر پذیرفته شود که بین روایت محمد بن عذافر و روایات صحیحہ متقدمه تنافی و تعارض است، نمی‌توان از روایات صحیحہ متقدمه که مقطوع السند می‌باشند دست برداشت و به روایت محمد بن عذافر که شاذ و نادر است، عمل کرد؛

ثالثاً؛ اگر پذیرفته نشود که روایات صحیحہ متقدمه مقطوع السند و روایت محمد بن عذافر شاذ و نادر است، عرض می‌شود که روایات صحیحہ متقدمه موافق کتاب الله [«...أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيداً طَيِّباً...»]^۱ می‌باشند، ولی روایت محمد بن عذافر موافق با کتاب الله نیست، چون لزوم غسل در فرض ملامست را نفی کرده است و این روایت بر عدم غسل در فرض التقاء ختائین دلالت دارد، پس این روایت با قرآن سازگاری ندارد و نمی‌توان به آن عمل کرد، زیرا موافقت با کتاب از مرجحات سندیه است و لذا روایات صحیحہ متقدمه که موافق کتابند بر روایت محمد بن عذافر ترجیح داده می‌شوند.

مرحوم صاحب حدائق (ره) فرموده است که بعضی گفته‌اند که معارضه‌ای بین روایت محمد بن عذافر و روایات صحیحہ مقدمه نیست؛ به این بیان که جمله «وَ إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ»، معطوف بر «یدخل» است و عطف تفسیری است، گویا امام (ع) فرموده است: «يجب عليها الغسل حين يدخله، أي إذا التقى الختانان» و جمله «فَيَغْسِلَانِ فَرْجَهُمَا» حکم دیگری است که متفرع بر ادخال و التقاء است، یعنی ادخال و التقاء ختانیین موجب وجوب غسل جنابت می‌شود، اما فرج زن و مرد باید شسته شوند و شستن فرجین منافاتی با وجوب غسل ندارد.

اما مرحوم صاحب حدائق (ره) در پاسخ از این مطلب فرموده است که ظاهر این است که جمله «وَ إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ»، جمله شرطیه است و جمله «فَيَغْسِلَانِ فَرْجَهُمَا» جزاء این جمله شرطیه است، به این معنا که اگر التقاء ختانیان صورت گرفت، زن و مرد باید آلت خود را بشویند، پس نمی‌توان گفت که جمله «وَ إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ» معطوف بر «یدخله» است.

بعضی گفته‌اند که جمله «فَيَغْسِلَانِ فَرْجَهُمَا» نمی‌تواند جزائیّه باشد زیرا وجهی ندارد که حرف «فاء» بر جزا داخل شود، پس متعین می‌شود که این جمله، حکمی است که متفرع بر ادخال و التقاء ختانیین می‌باشد، یعنی اگر التقاء ختانیان صورت گرفت، فرج زن و مرد باید شسته شود و جمله «إِذَا التَّقَى الْخِتَانَانِ» عطف تفسیری بر جمله «حين يدخله» می‌باشد.

لکن در پاسخ از این عده گفته می‌شود که این سخن، درست نیست چون «فاء» در صورتی بر جزا داخل می‌شود که جزا از افعال مضارع نباشد، اما اگر جزا از افعال مضارع باشد، ادخال «فاء» بر آن مشکلی ندارد و در روایت مذکور، جزا از افعال مضارع است، بنابراین دخول حرف «فاء» بر آن ایرادی ندارد.

پس صحیح این است که گفته شود که در رفع تعارض بین روایات صحیحہ مقدمه و روایت محمد بن عذافر، سخن همان است که قبلاً بیان شد و آن، اینکه روایت محمد بن عذافر، شاذ و نادر است و نمی‌تواند در مقابل روایات صحیحہ مقدمه بایستد و عمده چیزی که می‌توان گفت این است که روایت محمد بن عذافر، ضعیف است چون هرچند که محمد بن مسلم این روایت را از کتاب محمد بن علی بن محبوب نقل کرده است و ذکر کرده است که این کتاب به خط شیخ ابی جعفر طوسی نوشته شده است، لکن اعتبار طریق روایت، ضعف روایت را برطرف نمی‌کند چون در سند این روایت، عمر بن زید است که توثیق نشده است لذا این روایت ضعیف است و نمی‌تواند با روایات صحیحہ مقدمه معارضه کند.

جهت سوم، این است که اگر کسی حشفه‌اش قطع شده باشد، اگر از حشفه‌اش مقداری باقی مانده باشد و به نحوی باشد که بر آن باقیمانده، صدق کند که گفته شود که حشفه را داخل کرده است، در این صورت اشکالی ندارد که گفته شود با دخول باقیمانده حشفه، جنابت محقق و غسل واجب می‌شود، ولی اگر تمام حشفه قطع شده باشد، چند صورت محتمل است؛

صورت اول، این است که جنابت و وجوب غسل، هر آینه با ادخال به مقدار حشفه محقق می‌شود و دخول نفس حشفه ملاک نیست، بنابراین، اگر حشفه بریده شده باشد و از باقیمانده آلت، به اندازه حشفه در فرج زن داخل شود، جنابت محقق و غسل واجب می‌شود و مقدار حشفه نیز در مقایسه با حشفه خود آن شخص ملاحظه می‌شود.

این فرض، با آنچه مرحوم سید (ره) فرمود، سازگار است.

این احتمال به مشهور، نسبت داده شده است، اما گفته شده است که این احتمال پذیرفته نیست چون در اخباری که در رابطه با وجوب اغتسال وارد شده‌اند کلمه «غیوبه الحشفة» آمده است و کلمه «غیوبه مقدار الحشفة» نیامده است. بنابراین، ادخال خود حشفه ملاک برای حکم به جنابت و غسل جنابت است و حمل روایات بر ادخال به مقدار حشفه، خلاف ظاهر اخبار است.

«الحمد لله رب العالمین»